

نقطه عطف ایران: چگونه درس‌های سوریه مسیر آزادی را روشن می‌کند

سقوط اخیر رژیم بشار اسد در سوریه و ظهور یک دولت ائتلافی امیدی را برای دیگر ملت‌هایی که تحت رژیم‌های سرکوبگر مبارزه می‌کنند، فراهم کرده است. برای ایرانیانی که آرزوی آزادی و عدالت دارند، تجربه سوریه هم چالش‌ها و هم فرصت‌هایی را که در پیش رو دارند برجسته می‌کند. دیکتاتوری اسد و جمهوری اسلامی ایران هر دو بر حکومت اقلیت، سرکوب سیستمی و مدیریت اقتصادی ضعیف متکی بوده‌اند تا قدرت را حفظ کنند. با آغاز بازسازی سوریه، ایرانیان می‌توانند از سفر این کشور درس‌های ارزشمندی بیاموزند—درس‌هایی که بر اتحاد، برنامه‌ریزی استراتژیک و وعده آینده‌ای بهتر تأکید دارند.

شباهت‌های میان سوریه اسد و جمهوری اسلامی ایران

برای دهه‌ها، حکومت بشار اسد شباهت‌های زیادی با جمهوری اسلامی ایران داشته است. اقلیت علوی اسد سوریه را از طریق اجبار و ترس اداره کرد و اکثریت سنی و دیگر اقلیت‌ها را سرکوب کرد. به طور مشابه، تفسیر رادیکال جمهوری اسلامی از شیعه‌گری بر جمعیتی متنوع تحمیل شده است که به طور فزاینده‌ای اقتدار آن را رد می‌کنند. هر دو رژیم از طریق سرکوب خشونت‌آمیز، زندانی کردن مخالفان، و سرکوب آزادی‌های اساسی قدرت خود را حفظ کرده‌اند و محیط‌هایی ایجاد کرده‌اند که در آن مخالفت به عملی خطرناک تبدیل شده است.

حمایت جمهوری اسلامی از اسد طی دهه گذشته نشان‌دهنده شباهت‌های قابل توجهی در استراتژی‌های بقای آنهاست. ایران بیش از ۳۰ میلیارد دلار برای حفظ قدرت اسد هزینه کرده است و نیروهای سپاه پاسداران را مستقر کرده و ارتش سوریه را با سلاح، بودجه و حمایت سیاسی تقویت کرده است. این سرمایه‌گذاری عظیم، که از منابع مردم ایران برداشت شده است، جنگی را طولانی کرد که صدها هزار سوری را کشته و میلیون‌ها نفر را آواره کرد. اکنون، با سرنگونی رژیم اسد، دولت جدید سوریه تخمین زده است که خسارات وارده به کشورشان بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار است و خواستار پاسخگویی از ایران شده است. این نه تنها هزینه‌های انسانی و اقتصادی ویرانگر چنین رژیم‌هایی را برجسته می‌کند، بلکه به ایرانیان نیز یادآوری جدی از تأثیر سیاست‌های دولتشان بر ملت و منطقه می‌دهد.

اتحاد برای تغییر: اهمیت انسجام اپوزیسیون

سقوط رژیم اسد، اگرچه مدتی طول کشید، از طریق اتحاد نیروهای مخالف و توانایی آنها در جذب حمایت بین‌المللی ممکن شد. این اتحاد به راحتی به دست نیامد؛ اپوزیسیون سوریه مدت‌ها گرفتار تقسیمات ایدئولوژیک و دستورکارهای رقابتی بود. با این حال، ائتلاف نهایی آنها به یک عامل تعیین‌کننده در به چالش کشیدن حکومت اسد تبدیل شد. برای ایرانیان، این موضوع اهمیت حیاتی یک جبهه متحد را برجسته می‌کند. اپوزیسیون باید تفاوت‌های ایدئولوژیک را کنار بگذارد تا یک دیدگاه منسجم برای یک ایران پس از جمهوری اسلامی ارائه دهد. اتحاد فقط یک استراتژی نیست بلکه یک ضرورت است برای غلبه بر رژیمی که از تفرقه و اختلاف تغذیه می‌کند.

بهبود اقتصادی: مسیری به سوی امید فوری

یکی از چشمگیرترین تحولات در سوریه پس از اسد نشانه‌های فوری تثبیت اقتصادی بوده است. ظرف یک ماه پس از سقوط رژیم، کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی شروع به جریان یافتند و امید به بازسازی را برانگیختند. این تحول سریع نشان می‌دهد که پتانسیل عظیمی برای تجدید اقتصادی وجود دارد، هنگامی که رژیم‌های سرکوبگر حذف می‌شوند. ایران، با منابع طبیعی و انسانی فراوان خود، می‌تواند یک تجدید مشابه را تجربه کند. سال‌ها فساد، تحریم‌ها و سوءمدیریت اقتصاد ایران را تضعیف کرده و بسیاری از ایرانیان را متقاعد کرده است که رفاه در این شرایط غیرممکن است. مثال سوریه ثابت می‌کند که تغییر نه تنها ممکن است بلکه می‌تواند سریع و ملموس باشد.

نقش حمایت بین‌المللی

یکی دیگر از درس‌های کلیدی نقش حمایت بین‌المللی است. در سوریه، قدرت‌های جهانی نقش محوری در تسهیل گذار ایفا کردند. در حالی که مداخله خارجی به شکل اقدام نظامی پر از خطر است، حمایت دیپلماتیک و اقتصادی می‌تواند ارزشمند باشد. گروه‌های مخالف ایرانی باید به طور فعال با جامعه بین‌المللی همکاری کنند و اتحادهایی ایجاد کنند که به حاکمیت ایران احترام بگذارند و در عین حال منابع لازم برای یک انتقال مسالمت‌آمیز را فراهم کنند. با این حال، احتیاط لازم است تا از خطرات وابستگی یا دستورکارهای خارجی که می‌تواند استقلال ایران را به خطر بیندازد، جلوگیری شود.

غلبه بر دستگاه‌های امنیتی و نیروهای شبه نظامی

شباهت‌های میان سوریه اسد و جمهوری اسلامی به اتکای مشترک آنها بر نیروهای شبه نظامی برای حفظ کنترل نیز گسترش می‌یابد. در سوریه، شبه نظامیان شبیحه اسد با ایجاد ترس و سرکوب مخالفان حکومت کردند. در ایران، سپاه پاسداران و نیروهای بسیج نقش مشابهی ایفا می‌کنند. این نیروها، اگرچه قدرتمند هستند، اما شکست‌ناپذیر نیستند. اپوزیسیون سوریه نشان داد که استقامت، همراه با مقاومت استراتژیک، می‌تواند حتی پیچیده‌ترین دستگاه‌های امنیتی را تضعیف کند. برای ایرانیان، حفظ روحیه و آمادگی برای یک مبارزه بالقوه طولانی ضروری خواهد بود.

حمایت از همبستگی قومی و مذهبی

تقسیمات قومی و مذهبی در سوریه چالش‌های قابل توجهی ایجاد کرد و درس مهم دیگری برای ایران به ارمغان می‌آورد. کردها، سنی‌ها و گروه‌های دیگر سوری اغلب با یکدیگر اختلاف داشتند و تلاش‌های اپوزیسیون را پیچیده‌تر کردند. تنوع قومی ایران—از کردها تا بلوچ‌ها، آذری‌ها و عرب‌ها—می‌تواند به طور مشابه منبعی از تنش باشد. برای جلوگیری از تفرقه، اپوزیسیون ایرانی باید از همبستگی و حقوق برابر برای همه شهروندان حمایت کند. مکانیزم‌هایی برای پاسخ به آرزوهای متنوع جمعیت ایران بررسی شود و در عین حال وحدت ملی حفظ شود.

ساخت روایت جدید: قدرت رسانه‌ها

رسانه‌ها نیز نقش حیاتی در شکل‌دهی روایت مبارزه سوریه ایفا کردند. رژیم اسد در نشان دادن اپوزیسیون به عنوان تروریست مهارت داشت، روایتی که اغلب به صورت بین‌المللی جذاب بود. اپوزیسیون ایرانی باید از این درس بگیرد و در استراتژی‌های رسانه‌ای قوی سرمایه‌گذاری کند. برجسته کردن نقض حقوق بشر، فساد، و ناکامی‌های رژیم و در عین حال ترویج دیدگاهی از امید و تجدید ضروری خواهد بود برای جلب حمایت داخلی و بین‌المللی.

ساخت آینده‌ای پایدار برای ایران و منطقه

پیامدهای گسترده‌تر تغییر رژیم در ایران فراتر از مرزهای آن گسترش می‌یابد. همانطور که حذف اسد وعده کاهش بی‌ثباتی در خاورمیانه را می‌دهد، سقوط جمهوری اسلامی می‌تواند یک عصر جدید همکاری و صلح منطقه‌ای را به ارمغان بیاورد. نقش ایران به عنوان حامی درگیری‌های نیابتی و نقض مداوم حقوق بشر آن را به منبع بی‌ثباتی تبدیل کرده است. یک ایران دموکراتیک می‌تواند به یک خاورمیانه پایدارتر و مرفه‌تر کمک کند و الگویی قدرتمند برای سایر ملل ایجاد کند.



چشم‌انداز یک ایران آزاد

همانطور که ایرانیان آینده‌ای عاری از استبداد را تصور می‌کنند، باید نه تنها بر نابودی جمهوری اسلامی بلکه بر تصور و ساخت یک جامعه دموکراتیک که به حقوق فردی احترام می‌گذارد، تنوع را در آغوش می‌گیرد و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند تمرکز کنند. رویای مشترک یک ایران آزاد—یک ملتی که در آن صدای هر شهروند شنیده و ارزش گذاری می‌شود—بیش از یک آرزوی دوردست است؛ این یک واقعیت قابل دستیابی است. با آموختن از مبارزات و موفقیت‌های سوریه، ایرانیان می‌توانند مسیری رو به جلو ترسیم کنند که الهام‌بخش امید و انگیزه‌بخش عمل باشد.

ایران آزاد فقط یک ایده نیست؛ این یک وعده است که در قلب میلیون‌ها نفر طنین‌انداز است. این وعده یک ایران است که در آن کودکان می‌توانند بدون ترس رشد کنند، زنان آزادانه قدم بزنند، اقوام و اقلیت‌های مذهبی با کرامت رفتار شوند و هر شهروند فرصتی برای پیشرفت داشته باشد. این دیدگاه تنها از طریق تلاش جمعی، عزم بی‌وقفه و شجاعت برای رؤیای بزرگ می‌تواند محقق شود.

زمان آن رسیده است که ایرانیان سرنوشت خود را در دست بگیرند. از خیابان‌های تهران تا جوامع دیاسپورا در سراسر جهان، هر صدا مهم است و هر اقدام ارزشمند است. با هم، ایرانیان می‌توانند چشم‌انداز مشترک خود را به واقعیت تبدیل کنند و ملتی را ایجاد کنند که بازتاب‌دهنده انعطاف‌پذیری، خلاقیت و امید بی‌پایان آنها باشد. درس‌های سوریه به ما یادآوری می‌کند که آزادی داده نمی‌شود؛ بلکه از طریق فداکاری، اتحاد و باور بی‌وقفه به فردایی روشن به دست می‌آید.